

**آشنایی زدایی در شعر شاعران رمانتیک عرب با بررسی
اشعار خلیل مطران، نازک الملائکه و بدر شاگر السیاب**

تألیف:

دکتر ابراهیم نامداری

(عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور)

محمد رضایی چقاگلانی

(عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور)

بهنام فعلی

(عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور)

هوشنگ رزم دیده

(مدرس دانشگاه آزاد واحد اسلام آباد غرب)

شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۱۴-۹۶-۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۴۱۷۱۶۰
عنوان و نام پدیدآور	: آشنایی‌زدایی در شعر شاعران رمانتیک عرب با بررسی اشعار خلیل مطران، نازک الملائکه و بدرشاكر السياب / تالیف ابراهیم نامداری ... [و دیگران].
مشخصات نشر	: تهران: آرنا، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۳ص.
یادداشت	: تالیف ابراهیم نامداری، محمدرضا بیگی چقاگلانی، بهنام فعلی، هوشنگ رزم‌دیده.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۷۸ - ۱۸۴.
موضوع	: مطران، خلیل، ۱۸۷۱-۱۹۴۹م. -- نقد و تفسیر
موضوع	: ملائکه، نازک، ۱۹۲۳ م. -- نقد و تفسیر
موضوع	: سیاب، بدرشاكر، ۱۹۲۶-۱۹۶۵م. -- نقد و تفسیر
موضوع	: عربی -- قرن ۲۰م. -- تاریخ و نقد
موضوع	: اعران -- قرن ۲۰م. -- نقد و تفسیر
رده بندی دیویی	: ۸۹۲.۱۶۰
رده بندی کنگره	: ۱۳۹ ۵۱/۳۸۱۸۵
شناسه افزوده	: نامداری، ابراهیم، ۱۳۰۲ -
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا

عنوان: آشنایی‌زدایی در شعر شاعران رمانتیک عرب با بررسی اشعار خلیل مطران، نازک الملائکه و بدرشاكر السياب

تالیف : دکتر ابراهیم نامداری - محمد رضا بیگی چقاگلانی - بهنام فعلی - هوشنگ رزم دیده

ناشر : آرنا

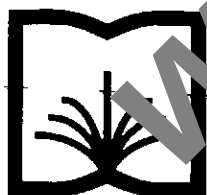
طرح جلد : رامین

صفحه آرایي : الهه یذرافشان

چاپ : اول ۱۳۹۳

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۱۴-۹۶-۱



نشر آرنا

چکیده :

آشنایی زدایی یعنی خروج از مألوف و آشنا، خروج و عدولی که در پی آن برای خواننده یا شنونده سخن، شگفتی حاصل شود بدین ترتیب که شاعر یا ادیب با زدودن تکرار از صورت زبان سخنی زیبا و تأثیرگذار خلق کند، چراکه کلمات به سبب تکرار برای ما عادی می‌شوند بطوری که آن‌ها را نمی‌بینیم، شگرد شاعر و ادیب در این است که عادت را از زبان می‌زدایند و زبانی نو بوجود می‌آورند. زبان در کارکرد روزمره خود به عاملی ارتباطی و عادی تبدیل می‌شود و جنبه‌های زیبایی‌شناختی و ناآشنای آن گم می‌ماند، اما ادبیات می‌تواند وجوه بیگانه زبان را آشکار سازد و به واسطه آن ذهن انسان را برای شناخت متفاوت بدیدارها، که طبق عادت، یکنواخت و کاربردی شده است، توانمند سازد. در این جا، هنر شاعر یا هنرمند این است که با غریبه کردن مفاهیم آشنا و افزودن بر دشواری و جان بخشیدن دوباره بدین‌ها، بدین زمان فرایند درک خواننده را طولانی‌تر کرده و لحظه ادراک را به تعویق بیندازد، تا بدین سان اثره بی‌پایاد شعریت در کلام خود، باعث لذت و ذوق ادبی گردد.

برای رسیدن به این مقصود شاعر و ادیب به تکرار ای زبانی نیازمند است که مهمترین آن‌ها استعاره به صورت خاص و مجاز و کنایه به صورت عام است. بطور کلی دو نوع آشنایی زدایی در حیطه زبان رخ می‌دهد ۱- جایگزینی (که محور اصلی آن استعاره است) ۲- ترکیبی یا ساختاری (که در تقدیم و تأخیر، التفات، حذف و اضافه پیش می‌آید).

البته باید خاطر نشان کرد که هر عدولی (بیگانه سازی یی)، آشنایی زبانی محسوب نمی‌شود مگر آن که جنبه رسانگی زبان نیز در نظر گرفته شود و صرف این که در زبان اثر تازه و نوین شعر بوجود نمی‌آید بلکه باید دارای تأثیر در مخاطب باشد و همچنین دارای اثر زیبا شناختی باشد تا مخاطب از آن لذت ببرد.

در نهایت، آشنایی زدایی به برداشت تازه و جدیدی از ادبیات رهنمون می‌شود. برداشتی که نه بر ادامه و تقلید از گذشته بلکه بر گسست‌های ناگهانی از آن و پیدایش قواعد هنری نو، و شکستن عادت‌ها، استوار است و سبکی جدید را پی‌ریزی و معرفی می‌کند.

فهرست مطالب

۱۱	سوابق پژوهش در موضوع.....
۱۱	فرضیه‌های اصلی تحقیق.....
۱۲	پیشگفتار.....
۱۹	تقدیر و تشکر.....
۲۰	فصل اول: آشنایی زدایی.....
۲۱	آشنایی زدایی (defamiliarization).....
۲۵	تعدد اصطلاح آشنایی زدایی.....
۲۹	انحراف (کج روی).....
۳۰	آشنایی زدایی (انحراف) و تضاد ساختار گرایی.....
۳۸	انواع آشنایی زدایی.....
۳۹	آشنایی زدایی جایگزینی.....
۴۷	مجاز.....
۵۰	اسلوب و مجاز.....
۵۲	استعاره.....
۵۷	آشنایی زدایی ساختاری (ترکیبی).....

۶۴	معیار آشنایی زدایی
۷۲	زبان شعر و زبان نثر
۷۴	سطوح آشنایی زدایی
۷۷	آشنایی زدایی و ادبی بودن متن
۷۸	آشنایی زدایی بین دال و دلالت
۸۱	آشنایی زدایی و اسناد
۸۲	آشنایی زدایی در اسناد
۸۳	آشنایی زدایی در صفت (رء)
۸۴	آشنایی زدایی و رمانتسم
۸۵	ارزیابی آشنایی زدایی
۸۷	فصل دوم: آشنایی زدایی در شعر خلیل مطران
۸۸	خلیل مطران
۸۹	استعاره
۱۰۱	مجاز
۱۰۶	کنایه
۱۰۹	تشخیص

فصل سوم: آشنایی زدایی در شعر بدر شاکر السیاب	۱۱۲
بدر شاکر السیاب	۱۱۳
استعاره	۱۱۴
مجاز	۱۳۹
کنایه	۱۴۴
تشخیص	۱۴۷
حسن آمیزی	۱۵۳
فصل چهارم: آشنایی زدایی در شعر نازک الملائکه	۱۵۶
نازک الملائکه	۱۵۷
استعاره	۱۵۷
مجاز	۱۹۰
کنایه	۱۹۹
تشخیص	۲۰۱
حسن آمیزی	۲۰۷
نتیجه	۲۱۰
الملخص باللغة العربية	۲۱۴

فهرست منابع..... ۲۱۹

الف - کتاب‌ها..... ۲۱۹

ب - مجله‌ها..... ۲۲۵

ج - منابع مجازی..... ۲۲۶

www.ketab.ir

سوابق پژوهش در موضوع :

در ایران پایان نامه یا کتابی با این عنوان نوشته نشده است اما دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی در کتاب «موسیقی شعر» و دکتر مهیار علوی مقدم در کتاب «نظریه‌های نقد ادبی معاصر» و دکتر تقی پورنامداریان در کتاب «سفر در مه» و محمد حسین محمدی در کتاب «آشنایی‌زدایی در غزلیات شمس» به صورت کلی به آن پرداخته‌اند. و نیز مقاله ای با عنوان «آشنائی زدائی در ادبیات» از آذر نفیسی در مجله کیهان فرهنگی، سال ششم، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۶۸، به این موضوع پرداخته است. اما در جهان عرب دو کتاب با عنوان‌های: «الإنزیاح من منظور الدراسات الاسلویة» و «الإنزیاح فی التراث النقدي و الیغی» تألیف احمد محمد ویس موجود می باشد که به صورت کلی به موضوع پرداخته است.

فرضیه‌های اصلی تحقیق :

آشنایی‌زدایی، نظریه‌ای است که در نقد و بلاغت زیبایی‌شناسی وجود دارد با این تفاوت که اصطلاحات آن فرق دارد. رمانتیک و آشنایی‌زدایی در خدمت یکدیگر هستند و به بهترین شکل با هم درآمیخته‌اند. آشنایی‌زدایی در صورتی که با مقتضای حال مطابق باشد موجب زیبایی آن می شود. برخی از شاعران رمانتیک عرب آگاهانه آشنایی‌زدایی کرده‌اند.

آشنایی‌زدایی جای‌گزینی در شعر شاعران رمانتیک عرب ظهور بیشتری دارد تا آشنایی‌زدایی نحوی. آشنایی‌زدایی در خدمت شعریت است و نه هدف آن، به این معنی که شعر همه اش صورت‌های بلاغی باشد چرا که گاهی شعری زیبا و دارای تأثیر در مخاطب است بی آن که در آن خبری از صورت‌های بلاغی باشد.

پیشگفتار:

آشنایی‌زدایی، اصطلاحی است که فرمالیست‌ها آن را برای اولین بار مطرح کردند. آن‌ها معتقدند که کار هنر، غیر خودکار کردن و شگفت‌انگیز کردن چیزها، به منظور دیدن آن‌هاست، چرا که چیزها پس از مدتی بر اثر تکرار برای ما عادی می‌شوند، بطوری که آن‌ها را نمی‌بینیم. ما در زبان شاعرانه با تغییر اساسی رابطه دال و مدلول مواجهیم، یعنی در زبان مألوف، دال‌ها، مدلول‌های مشخص و معینی دارند، اما در زبان شاعرانه دال‌ها، مدلول‌های تازه‌ای پیدا می‌کنند، و مخاطب برای فهمیدن این مدلول‌ها، جدید، به زحمت می‌افتد و فرآیند ادراک طولانی‌تری می‌شود و از آن جایی که کشف مقصود بعد از کمی درنگ مدت بخش‌تری است، در مخاطب تأثیر ویژه‌ای خواهد گذاشت.

در زبان شاعرانه، زیبایی‌های کلامی دلالت و انگیزش عاطفی سخن، با پنهان کردن هسته‌ی معنایی کلمه و در واقع با آشنایی با معنای معمولی و آشنا، نمایان می‌شوند. زیبایی‌هایی که در زبان عادی، آن‌ها را نمی‌بینیم، بنابراین شعر با رجز، ساختن دلالت‌هایی ظریف که از معنای ویژه‌ی کلمه در زبان عادی متفاوت است، معانی فاموسی کلمه را دگرگون می‌کند و از آن جایی که دگرگون ساختن معنای مألوف کلمه، سبب انگیزش عاطفی مخاطب می‌شود، تأثیر گذاری آن بیشتر است. شاعر کلمه را به نام معمول خود نمی‌خواند، بلکه آن را طوری تلفظ می‌کند که انگار برای اولین بار، دیده ایم. او برای توصیف کلمه گاهی از نام معمول اجزای آن استفاده می‌کند و به‌یاز مرسل می‌آفریند و گاهی از نام معمول اجزای آن بهره نمی‌گیرد، بلکه کلمه‌ای دیگر را برای نامیدن آن، به کار می‌گیرد و در واقع کلمه دیگری را برای آن استعاره می‌آورد و بدین ترتیب از زبان معیار محول دور می‌شود و زبانی نو، پدید می‌آورد.

برای فهمیدن زبان شعر، شایسته است که آن را با زبان نثر مقایسه کرد، از نظر کولریج شعر با نثر از نظر وسیله‌ای که هر دو استفاده می‌کنند و عناصر زبانی که به کار می‌برند تفاوت ندارد. تفاوت در

شیوه ی ترکیب عناصر این وسیله است. اختلاف در شیوه ی ترکیب ناشی از اختلاف هدف است. هدف ممکن است اِلْقای حقیقت یا ایجاد لذت باشد. می‌توان انواع ادبیات را شامل آثاری دانست که هدف مستقیم آن ایجاد لذت است. اما لذتی که از شیوه ی ترکیب عناصر زبان در شعر حاصل می‌شود با یک رمان فرق دارد. در شعر وزن، قافیه، انواع صنایع لفظی و معنوی هم در شیوه ی ترکیب شرکت می‌کنند و هم با دیگر عناصر شعر کل واحدی را تشکیل می‌دهند که لذت ناشی از آن است. بنابراین شعر با یک علم منشور از این جهت تفاوت دارد که هدف مستقیم آن لذت است و نه حقیقت. (۱)

کلمات پس از تألیف و هم نشینی با یکدیگر، معنای حقیقی و قراردادی خود را در زبان معیار و عادی از دست می‌دهند و معانی واژه‌های دیگر با معنی دیگر می‌شوند، به همین سبب است که زبان شعر مبهم می‌گردد و بر روی ذهن مشترکی که همگان یکسان درک می‌کنند، دلالت نمی‌کنند. بنابراین، معنای مبهم در شعر سبب می‌شود تا خواننده با کشف آن دچار انفعال نفسانی و عاطفی شود و در نتیجه از آن لذت ببرد. در زبان عادی، زبان امری قراردادی و از پیش تعیین شده میان دال و مدلول وجود دارد که به آسانی برای همگان قابل درک است، اما در زبان شعر دال بر مدلولی ثانوی که غیر از مدلول اصلی و قراردادی آن است، دلالت می‌کند که می‌توان از آن به مفهوم، یاد کرد و ادراک چنین مفهومی نیازمند تأمل و درنگ از سوی خواننده است تا مدلول ثانوی را کشف کند.

در هر صورت، روش و سبک به کارگیری واژه‌ها و تعابیر، معیار زیبایی‌شناختی شعر و نشر است. هنگامی که شاعر زبان را از روش معمولی و عادی بیان و دلالت، خارج می‌کند و آن ویژگی برانگیختگی، غافل‌گیری و در نتیجه زیبایی، می‌افزاید، در این صورت شعر آفریده می‌شود.

^۱ - دیوید، دیچز، شیوه‌های نقد ادبی، ترجمه: دکتر غلامحسین یوسفی، محمد تقی صدقیانی، انتشارات علمی، ۱۳۶۶، ص

آنچه سبب می‌شود تا ادعا کنیم در زبان شعر، آشنایی‌زدایی وجود دارد آن است که ۱- در مقایسه با زبان عادی و متداول خلاف عادت بنماید. ۲- سؤال‌هایی که برای خواننده پیش می‌آید که در واقع ناشی از ظن خواننده به معنی و منظوری مکتوم در شعر است که این ظن برانگیخته از خلاف عادت بیانی تصویرهاست. آن‌ها (شاعران) به جای این که به توصیف واقعی اشیاء و پدیده‌ها مطابق با زبان معمولی، پردازند، به استعاره، مجاز، تشخیص، کنایه و حس آمیزی روی می‌آورند، همان شگردهایی که علاوه بر ایجاد زیبایی در زبان، خواننده را مسحور خود می‌کند و او را بر می‌انگیزد که معنی پنهان و مورد نظر شاعر را دریابد و این کشف معنی و مقصود مورد نظر شاعر بعد از کنکاش، لذت بخش خواهد بود. این بود که خواننده تأثیر می‌گذارد و او را دچار انفعال نفسانی و عاطفی می‌کند.

در این جا باید دگرگامی که به هم موجود در استعاره-مجاز-مجازها-همان کشف وجوه شباهت تازه و دقیق میان اشیاء و شیوه بیانی شاعرانه در ارایه استعاره است. یعنی باید از آنچه ذکر شده و ظاهر است، در نتیجه کوشش ذهنی، به آنچه در نظر آمده و غایب است و به بیان دیگر از معنای حقیقی به معنای مجازی پی برد. برای گذر از معنای حقیقی به معنای مجازی، نیازمند وسایطی هستیم که یکی علاقه و دیگری قرینه است. استعاره به سبب همین پنهان بودن معنی مورد نظر، فضای شعر را ابهام آمیز می‌کند و همین ابهام سبب می‌شود که خواننده برای کشف معنی مجازی به تلاش و تکاپو بیافتد و هرگاه در این فعالیت ذهنی موفق باشد لذتی دوچندان در نتیجه کشف مجهول، احساس می‌کند. و پیداست که هر اندازه جامع میان مستعار له (مشبه) و مستعار منه (مُشَبَّه) دقیق‌تر و ظریف‌تر باشد، یافتن آن نیز دیرپای‌تر است و در نتیجه کشف مقصود لذت بخش‌تر است.

عناصر آشنایی‌زدایی از زبان که هم می‌تواند با جایگزین کردن و هم ترکیب عناصری از زبان صورت گیرد، متعدد است. اما برجسته‌ترین آن‌ها را می‌توان به مقوله‌های بیان و بلاغت و صرف و نحو واژگان زبان، محدود کرد. زبان از دیدگاه نظریه پردازان جدید مهم‌ترین عنصر شعر است.

البته در این پژوهش بر جنبه‌های بیان و بلاغت، تأکید شده است و تحت عنوان‌های استعاره، مجاز، تشخیص، کنایه و حس آمیزی بررسی شده است. شکلوفسکی که شعر را رستاخیز کلمه‌ها خوانده است، زبان شعر را از همین چشم انداز گسترده، دیده است و به همین سبب تعریف او می‌تواند در برگیرنده تعریف‌های متعدد دیگری که بر اساس توجه و تأکید بر یکی از این ابعاد گسترده زبان صورت گرفته است، نیز باشد: «اگر بپذیریم که مرز میان «شعر و نا شعر»، همین رستاخیز کلمه‌هاست، یعنی تمایز و تشخیص، بخشیدن به واژه‌های زبان، آن گاه به این نتیجه خواهیم رسید که چون «رستاخیز کلمه» یا صورت تشخیص یافتن آن‌ها در زبان می‌تواند هم علل و هم صورت‌های بسیاری داشته باشد. در تعریف شعر، وزن و قافیه را اساس قرار می‌دهد، درک او از قیامت کلمه‌ها، و تمایز زبان شعر از زبان تذل و اتوماتیکی، در حد وجود وزن و قافیه و یا عدم آن‌هاست، آن که فراتر می‌رود و شعر را کاملاً مجاز، زبان تعریف می‌کند، او نیز تمایز یا قیامت کلمه‌ها را در جابه جا شدن موارد استعمال آن‌ها می‌داند»^۱.

در بررسی آشنایی‌زدایی، بر حوزه‌ی معنی تأکید داریم و حوزه‌ی صورت را وانهادیم؛ چراکه خلیل مطران و نازک الملائکه (هر چند که از پیشگامان شعر نو است) به قالب‌های جدید شعری دعوت می‌کنند (اشعار خود را در همان وزن عروضی مشهور (نظام تساوئ صریح) سروده اند و از این رو از این جهت خلاف آمدِ عادتِی در حوزه‌ی صورت در شعر ایشان، پیش پا نهد است، اما بدر شاکر السیاب تا حدودی، خلاف آمدِ عادت در حوزه‌ی صورت در شعر را رعایت کرده است و می‌بینیم که تعدادی از شعرهایش از صورت معروف عمود شعر، خارج شده است و به بیانی دیگر آشنایی‌زدایی کرده است، از این رو حوزه‌ی صورت را وانهادیم و بیشتر بر حوزه‌ی معنی و آشنایی‌زدایی‌ای که در این زمینه رخ می‌دهد تأکید داشتیم که صورت‌های مختلف خیال را در بر می‌گیرد.

^۱ - موسیقی شعر، ویرایش ۳ چاپ نهم آگه، ۱۳۸۵، تهران: آگه، ۱۳۷۰، ص ۶

با این که تخیل و صورت‌های مختلف خیال از برجسته‌ترین عناصر آشنایی‌زدایی در زبان شعر است، اما نمی‌توان هر سخنی را که دارای انواع صورت‌های خیال است، شعر به حساب آورد و چه بسا شعرهای زیبا و مؤثری وجود دارد که خالی از تصویرهای شاعرانه است. صورت‌های خیال علاوه بر آن که زبان شعر را از زبان عادی متمایز می‌کند، ظرفیت زبان را برای انگیزش عاطفه، افزایش می‌دهد.

انواع مجادها و تصویرهای شاعرانه، به شرط آن که به جا و متناسب به کار روند، در پنهان کردن معنی و نتیجه تلاش خواننده برای کشف معنی و لذت بردن از آن، نقش اساسی دارند. صورت‌های خیال سبب می‌شود تا شاعری که شاعر در شعر خود عرضه می‌کند، با جهان ما متفاوت باشد، جهان واقعی‌ای که بدان عادت کرده‌ایم، و این غرابت و تازگی جهان شاعرانه که ناشی از صورت‌های خیال است، نقش بسزایی در توجه خواننده به متن دارد. بنابراین تخیل، سبب تازگی و طراوت زبان است که این نکته خود با موضوع آشنایی‌زدایی در زبان و خلاف آمد عادت نمودن آن به چشم خواننده ارتباط دارد و در نهایت اسباب انتقال و انگیزش معنی نیز آماده می‌کند.

بنابر آنچه اشاره شد، اساس بررسی آشنایی‌زدایی در شعر شاعران مذکور، بررسی خلاف آمد عادت اشعار آن‌ها برای خواننده، با تکیه بر تصویرهای شاعرانه و صورت‌های خیالی شعر آن‌هاست، که به تفصیل به شرح و بسط آن‌ها، تا حد امکان، پرداختیم. زبان شعر آن‌ها نه همچون زبان عادی-که ابزار تفاهم و انتقال معنی است- بلکه زبانی ورای زبان عادی و معمولی است. به این بدین معنا نیست که شعر ایشان نامفهوم و درک ناشدنی است بلکه در کنار آشنایی‌زدایی زبان مألوف، جانب رسانگی را نیز رعایت کرده است. یعنی خواننده بعد از تأمل معنی مکتوم را کشف می‌کند.

سبک شناسان، زبان را در دو سطح ارزیابی می‌کنند: ۱- سطح ایده آل یا معمولی در گفتار عادی
 ۲- سطح ابتکاری که بر شکستن سطح ایده آل و خروج از آن استوار است. (۱) سطح عادی بر پایه
 روابط نحو و زبان است که در نتیجه ارتباط میان گفتار نحوی‌ها و زبان شناسان، پدید می‌آید، یعنی
 همان زبان ایده آل در کاربرد مألوف است. اما سطح ابتکاری زبان آن است که بر پایه خروج از قواعد
 نحو و زبان است، یعنی عدول از آشنا و به کار بردن آن در بافتی هنری.

وقتی مبدع بخواهد اثری هنری بیافریند، در نظام باهم آیی کلمات، و دلالت‌های آن‌ها، دخل و
 تصرف می‌کند. عوری که از مألوف، خارج شوند. بنابراین سخن از دایره‌ی سودمندی (که همان هدف
 کلام معمولی و انتقال مفهوم مخاطب است) به دایره‌ی زیبایی‌شناسی، انتقال می‌یابد، هنگامی‌که
 مبدع عبارت «اختلستُ السطر» را می‌گوید، نظام باهم آیی کلمات را درهم ریخته است (در نظام
 باهم آیی کلمات دیدن را نمی‌توان دزدید) چرا که دو لفظ متنافر را باهم ترکیب کرده است. که این
 سبک جدید را می‌توان مجاز نامید. همان‌طور که می‌توان از آن به «اغتشاش روابط زبانی» یاد کرد،
 اغتشاشی که در پی آن زیبایی شناختی است. (۲)

همان‌طور که اشاره شد در این پژوهش بر جنبه‌ی بلاغی آشنایی‌زدایی، تأکید شده است، و
 بر حسب موضوع، رساله شامل پیشگفتار و چهار فصل و نتیجه‌گیری است، در فصل نخست به تعریف
 آشنایی‌زدایی، انواع آن، سطوح آشنایی‌زدایی، استعاره، مجاز، دال و مداول سبک زبان شعر و زبان
 نثر و ... اشاره کردیم و تا حد امکان و با تکیه بر منابع موجود، به شرح و توضیح بابت پرداختیم.
 در فصل‌های بعد با بررسی اشعار خلیل مطران، نازک الملائکه و بدر شاکر السیاب، نمودهای
 آشنایی‌زدایی در شعر آن‌ها را واکاوی کردیم و شاعرانه بودن زبان آن‌ها را در مقایسه با زبان مألوف،

^۱ - عبد المطلب، محمد، البلاغة و الأسلوبية، الطبعة الأولى، مكتبة لبنان ناشرون، بیروت-لبنان: ۱۹۹۴، ص ۲۶۸

^۲ - همان، ص ۷۲

تا حد امکان، سنجیدیم. و نباید مدعی شد که کار، کامل و بی نقص و عیب است، چرا که کمال مطلق از آن خداوند است، اما نگارنده تلاش کرده تا حد ممکن، پژوهشی در خور، ارایه کند.

تقدیر و تشکر:

در این جا، بر خود لازم می‌دانم از همکاری و مساعدت استاد گرانقدر، دکتر غلامعباس رضایی هفتادار، که راهنمایی رساله را بر عهده داشتند کمال تشکر و قدر دانی داشته باشم، همچنین از استادان دکتر نیازی و دکتر دزفولی به عنوان مشاوران رساله، که با دقت رساله را مطالعه نمودند و نگارنده را بر خطاهای لفظی و معنوی رهنمون شدند، کمال تقدیر و تشکر دارم. همین طور از مساعدت مدیر گروه محترم ادبیات عربی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران و تمامی عزیزانی که در مراحل مختلف تصیلی، بر اینجانب حق استادی دارند، تشکر نمایم. و نیز از همسر گرامی خود که در مراحل مختلف رساله من گرامی این جانب بودند و در تایپ رساله کمک شایانی نمودند کمال قدر دانی نمایم. امیدوارم این پژوهش بتواند به هدف خود که بررسی آشنایی‌زدایی در شعر خلیل مطران، بدر شاکر السیاب و نازک الملائکه است به خوبی درخور دست یابد و راه گشای علاقه مندانی باشد که می‌خواهند در دریای بیکران آشنایی‌زدایی در شعر غوص نمایند.